



آرزوی رنگینی که به جنگ ختم شد/ «بادی که می‌وزد» در تقبیح نظامی‌گری

هایائو میازاکی استاد برجسته ژاپنی سال پیش و در آستانه 75 سالگی اعلام کرد «باد می‌وزد» آخرین اثر انیمیشن او خواهد بود؛ فیلمی که همان سال نامزد دریافت اسکار شد و هر چند این رقابت را به «یخ زده» واگذار کرد، اما این ناکامی چیزی از ارزش‌هایش کم نکرد.

هایائو میازاکی استاد برجسته ژاپنی سال پیش و در آستانه 75 سالگی اعلام کرد «باد می‌وزد» آخرین اثر انیمیشن او خواهد بود؛ فیلمی که همان سال نامزد دریافت اسکار شد و هر چند این رقابت را به «یخ زده» واگذار کرد، اما این ناکامی چیزی از ارزش‌هایش کم نکرد.

خبرگزاری مهر - گروه فرهنگ و هنر: «باد می‌وزد» یازدهمین فیلم انیمیشن هایائو میازاکی درباره زندگی پسری به نام جیرو هوریکوشی است که موفق می‌شود رویای بزرگش یعنی ساخت هواپیما را عملی کند و نامش را به عنوان یکی از معتبرترین مخترعان و طراحان هواپیما ثبت کند.

انیمیشن 126 دقیقه ای «باد می‌وزد» که با بودجه 30 میلیون دلاری ساخته شد، 20 جولای 2013 به نمایش درآمد و در نهایت نزدیک به 135 میلیون دلار در اکران داخلی و خارجی فروش کرد. فروش 113 میلیون دلاری این انیمیشن در ژاپن آن را به پرفروش‌ترین فیلم سال ژاپن بدل کرد.

داستان از زمان جنگ جهانی اول و حدود سال‌های 1914 شروع می‌شود و ژاپنی را تصویر می‌کند که با امروز تفاوت زیادی دارد. بلایای طبیعی، رکود اقتصادی و بیکاری زندگی مردم را تحت تاثیر خود دارند و ژاپن هنوز وارد دنیای صنعتی امروزی نشده است.

«باد می‌وزد» بر اساس رمانی به همین نام از تاتسو هوری نویسنده، شاعر و مترجم قرن بیستم ژاپن شکل گرفت. او نام کتابش را از ژان پل والری، شاعر فرانسوی گرفته است: باد می‌وزد، ما باید زندگی را بیازماییم ... فیلمنامه این فیلم نوشته خود میازاکی کارگردان صاحب‌نام ژاپنی است.

این انیمیشن ترکیبی از تراژدی با رئالیسم جادویی است که تاریخ و آرزو را با هم ترکیب کرده است؛ شرح زندگی مردی که آرزو و رویایش ساخت هواپیماست، اما هواپیمایی می‌سازد که در جنگ ژاپن در طول جنگ جهانی دوم به کار می‌آید و موجب کشتار وسیعی از جمله در پرل هاربر می‌شود.

فیلم این موضوع را طرح می‌کند که با همه بزرگی رویاها، اگر هدف درست انتخاب نشود، این آرزوها هستند که ناکام می‌مانند. فیلم با داستان ساده و سراسر خود پشتمکار، عشق به خانواده، علم و دانش و عشق به میهن را به نمایش می‌گذارد.

میزاکی استادی برای همیشه

هایائو میازاکی از حدود ۳۰ سال پیش ساختن انیمیشن‌های بلند را شروع کرد و در ساخت انیمیشن‌هایش از نظر فرم و محتوا، چنان سبک مشخص و تثبیت شده ای را ارایه کرد که به عنوان یکی از کارگردان های مولف و بزرگ زنده دنیا شناخته می‌شود. این اولین اثر میازاکی نیست که دیدگاه ضد جنگ او را نشان می‌دهد و او بیشتر مواقع جنگ جهانی و آثار و تبعات منفی اش را به شکل های مختلف در پس زمینه داستان هایش داشته است.

او در سال ۱۹۹۷، پس از ساخت فیلم «پرنسس مونونوکه» که از موفق‌ترین انیمیشن‌های آن زمان بود، مدتی از کارگردانی کناره گرفت تا راه استعدادهای جوان‌تر را سد نکند، اما سال ۲۰۰۱ دوباره به عرصه کارگردانی بازگشت و با فیلم «شهر اشباح» رکورد پرفروش‌ترین فیلم‌های انیمیشن در سطح جهان را به خود اختصاص داد و جایزه خرس طلایی سال ۲۰۰۲ و اسکار ۲۰۰۳ را از آن خود کرد.

طرح موضوعی مناقشه برانگیز

«باد می‌وزد» برداشتی داستانی از زندگی جیرو هوریکوشی (با صدای جوزف گوردون لویت در دوبله انگلیسی) است. جوانی موضوع این فیلم است که همه عشقش را هواپیماها و جنگنده‌های هوایی تشکیل می‌دهند. انتخاب این موضوع و شخصیتی که به عنوان یکی از بزرگترین مهندسان هوا و فضا، موفق به ساخت جنگنده‌ای می‌شود که بندر پرل هاربر را با خاک یکسان می‌کند، برای فرد صلح طلب و جنگ ستیزی مثل میازاکی موضوع عجیبی بود و به همین دلیل با نمایش اولیه این فیلم به ویژه در ژاپن او با انتقاد جدی منتقدان روبه رو شد.

منتقدان میازاکی از هر دو گروه چپ و راست ژاپن بودند؛ چپی‌ها ناراحت بودند که چهره انسانی خلاق موضوع فیلم قرار گرفته و دستاوردهایش منفی معرفی شده و راستی‌ها با دفاع از ناسیونالیسم، احساس می‌کردند بار دیگر و این بار از سوی یک خودی برای جنگ آفرینی زیر سوال می‌روند.

اما میازاکی با ساخت این فیلم قصد داشت سیاست‌های امروز ژاپن و جهان برای افزایش نظامی‌گری را زیر سوال ببرد. خود او گفته جمله ای از هوریکوشی که می‌گوید: «همه کاری که می‌خواست انجام دهد، ساخت چیزهای زیبا بوده» عامل اصلی انتخاب این سوژه شده است و او درواقع فردی از خودگذشته را تصویر کرده که برای عملی شدن رویاهایش زندگی کرده،

اما این رویاها در واقع جنونی بوده که باید افشایشان کرد. وقتی جنگ، زلزله، قحطی، آتش سوزی، خفقان حکومتی و اجتماعی پشت سر هم بر زندگی هجوم می آورند، آیا رویا می‌تواند فقط رویا باشد؟

قصه از کجا شروع می شود

کودکی هوریکوشی (1903 تا 1982) در دوره جنگ جهانی اول می‌گذرد و او آرزویی جز پرواز در آسمان ندارد. در این مسیر یک طراح هواپیمای ایتالیایی به نام جیانی کاپرونی، استادی است که گرچه تنها به تصورات او راه پیدا می‌کند، اما او را به جلو می‌برد و مشوق اوست. کاپرونی می‌گوید: هواپیماها فقط برای جنگیدن و یا پول درآوردن نیستند، آنها رویاهایی زیبا هستند. جیرو پا به جوانی که می‌گذارد به توکیو می‌رود تا در رشته هواپیماسازی تحصیل کند. او در طول این سفر و در سال 1923 با زلزله کانتو روبه رو می‌شود و در جریان این بحران دختر جوانی را ملاقات می‌کند که در زندگی اش یک نقطه عطف است. بعد از مدتی بی خبری و گم کردن یکدیگر، آنها دوباره به هم می‌رسند و کمی بعد ازدواج می‌کنند اما ناهوکو بیمار است و زمان زیادی برای زندگی ندارد.

جیرو برای کمپانی عظیم «میتسوبیشی» کار می‌کند و هدفش این است که بهترین هواپیماهای ممکن را بسازد. او حالا مهندس جوانی است که در خدمت فاشیسم ژاپنی آن هم در آستانه جنگ جهانی قرار گرفته و اختراع کشنده‌ای چون هواپیمای بمب افکن، عامل ماندن در عالم رویا می‌شود. او دو هواپیمای جنگنده ای5ام و ای6ام زیرو را طراحی می‌کند که به عاملی در دست امپراتوری فاشیستی ژاپن در طول جنگ جهانی دوم بدل می‌شوند.

توفان آتشی که در اثر استفاده از این هواپیماها برپا می‌شود، یکی از سکانس‌های ماندگار این فیلم است. هدف او این نیست که سلاح یا دستگاهی برای جنگ بسازد؛ او می‌خواهد وسیله‌ای بی نقص تولید کند، اما دیگران چیزی را که برای جیرو یک نهایت است، در اختیار می‌گیرند و از آن به شیوه‌ای ناپسند استفاده می‌کنند.

یک انیمیشن تاثیرگذار

با این حال انیمیشن بودن این فیلم به معنی مناسب بودن آن برای کودکان نیست و گرچه از نظر محتوایی هیچ مشکلی برای کودکان ندارد، اما در این فیلم از حیوانات سخنگوی دوست داشتنی یا قطعه‌های موسیقی خبری نیست و در واقع فیلمی برای افسون کردن بالغ ترهاست.

این انیمیشن به سبک نقاشی دستی خلق شده؛ روشی که هر چند مدت هاست در صنعت انیمیشن به فراموشی سپرده شده اما یادآور این است که وقتی یک استاد این روش را به کار ببرد، چقدر می‌تواند تاثیرگذار باشد. پس زمینه‌های این فیلم مانند نقاشی‌هایی که توجه ویژه بر جزئیات آنها شده در خدمت تاثیر بصری فیلم هستند و شخصیت‌ها استادانه و بدون کوچکترین اشکالی ترسیم شده‌اند.

اما اینها موجب می‌شود نوجوانان نیز احتمالا به اندازه پدر و مادرشان از دیدن تصاویر حیرت انگیزی که میازاکی با استفاده از سبک قدیمی‌اش خلق کرده، به وجد بیایند.

یک موفقیت جهانی

سال پیش انجمن منتقدان فیلم نیویورک هر چند در بسیاری از انتخاب‌هایش به عنوان بهترین‌های سال 2013 با انجمن ملی منتقدان توافق نداشت، اما هر دو گروه پذیرفتند «باد می‌وزد» ساخته هائائو میازاکی ژاپنی بهترین فیلم انیمیشن سال است. این فیلم که نامزد اسکار بهترین انیمیشن بلند سال 2014 شد، نامزد گلدن گلوب بهترین فیلم خارجی همان سال را کسب کرد و از نامزدهای شیر طلایی و نیز بود و بهترین انیمیشن سال ژاپن شناخته شد. هائائو میازاکی برای «باد می‌وزد» جایزه بهترین فیلم انیمیشن را از جشنواره سینمایی تورنتو نیز دریافت کرد.

نقطه پایانی بر یک عمر خلاقیت

کمپانی فیلمسازی ژیبلی که خود میازاکی آن را بنیاد نهاده در جشنواره فیلم ونیز سال پیش و با نمایش این انیمیشن به عنوان آخرین فیلم او، اعلام کرد این آخرین فیلمی خواهد بود که از این کارگردان راهی پرده‌های نقره‌ای می‌شود. میازاکی در طول پنج دهه کار با ایسائو تاکاهاتا، استودیو ژیبلی را ایجاد کرد.

این استاد انیمیشن سازی که تاکنون سه بار نامزد اسکار شده و در سال 2011 آن را دریافت کرده، از جمله چهره‌های بین المللی است که امسال به عنوان عضو به آکادمی اسکار دعوت شد.